



# تفاوت‌ها و تعارض‌ها در حوزه ژئوپلیتیک خزر

محمدرضا حافظ‌نیا<sup>۱</sup>

منطقه ژئوپلیتیکی خزر جزو مناطق خفته‌ای بود که پس از جنگ سرد و در دهه اخیر از خفتگی بیدار شده و به صورت یک منطقه فعال و دارای کارکردهای خاص در نظام بین‌الملل درمی‌آید. حوزه خزر از حوزه‌های ژئوپلیتیکی پیرامون خود تأثیر پذیرفته و مسایل آن حاصل ترکیب و التقای مسایل، نیروها و دیدگاه‌های خاص چهار حوزه پیرامونی و در پیوند برخی حوزه‌ها، نیروهای مداخله‌گر فرامنطقه‌ای می‌باشد که هویت ژئوپلیتیکی آن را شکل می‌دهد. این مقاله می‌کوشد تا حوزه خزر را از دید نیروهای واگرا که به صورت مانی بر سر راه همگرایی و همکاری منطقه‌ای تجلی می‌نماید، مورد توجه قرار دهد. براین اساس، مقاله به بیان تفاوت‌های بنیادین در حوزه خزر که الگوها و دیدگاه‌های متفاوت و متعارض را می‌آفریند، پرداخته، سپس تعارض‌های بنیادین را مورد بحث قرار داده و در نهایت پیشنهادهایی را در راستای کنترل و پیشگیری از بحران محتمل آینده با تأکید بر نظام حقوقی دریای خزر ارایه داده و الگویی را برای آن توهیه نموده است.



منطقه ژئوپلیتیکی خزر که هویت جدید خود را بعد از فروپاشی شوروی سابق به دست آورده است، جزو مناطق خفته‌ای بود که پس از جنگ سرد و در دهه اخیر، از خفتگی بیدار شده و به صورت یک منطقه فعال و دارای کارکردهای خاص درمی‌آید. هر چند در شرایط جدید هنوز از تکامل لازم برخوردار نبوده و استقرار سازنده‌ای پیدا ننموده است.

- دلیل اصلی تحول در هویت ژئوپلیتیکی خزر را باید در تحول الگوی موازنه قدرت دوران جنگ سرد و پدیدار شدن ساختار جدید قدرت جهانی جستجو کرد. زیرا در دوره جنگ سرد که از ویژگی‌های آن ایستایی و عدم تحرک در ساختار ژئوپلیتیکی جهان بود،<sup>(۱)</sup> منطقه خزر در سطح تماس و تعادل فضایی قدرت‌های جهانی قرار گرفته و لذا نوعی سکون و

۱. دکتر محمدرضا حافظ‌نیا عضو هیأت علمی گروه جغرافیا در دانشگاه تربیت مدرس است.



آرامش بر آن حکمفرما بود. ولی پس از تحول در ساختار قدرت جهانی، منطقه خزر نیز از سیطره الگوی توازن قوا خارج شده و نیروهای ژئوپلیتیکی درونی آن فعال گردیده و در پیوند با نیروهای فعال برون منطقه‌ای، از پویایی خاصی برخوردار گردیده است. به طوری که امروزه خزر یکی از مناطق مهم و مورد توجه نظام بین‌المللی و قدرتهای جهانی قرار گرفته و الگوی رقابت جدیدی را شکل داده است.

منطقه خزر در چارچوب نظریه‌های ژئوپلیتیکی دوره جنگ سرد و قبل از آن، بین دو قلمرو هارتلند<sup>۱</sup> و ریملند<sup>۲</sup> که در نظریه‌های مکیندر<sup>۳</sup> و اسپایکمن<sup>۴</sup> انعکاس یافته بود قرار داشت. یعنی بخش عمده آن در شمال جزو هارتلند بود که در کنترل قدرت بری یعنی شوروی قرار داشت و بخش جنوبی آن جزو کشور ایران بود که در زمره قلمرو ریملند و سرزمین حاشیه محسوب می‌شد. این منطقه در دوره جنگ سرد و قبل از آن سطح تماس و اصطکاک دو قدرت جهانی بری و بحری بوده است.<sup>(۲)</sup> (انگلستان و روسیه و سپس آمریکا و شوروی). فروپاشی شوروی و پایان دوره جنگ سرد در منطقه، نه تنها باعث فعال شدن حوزه ژئوپلیتیکی خزر گردید بلکه حوزه‌های ژئوپلیتیکی دیگر را در پیرامون آن فعال نمود که برای نمونه می‌توان به حوزه‌های آسیای مرکزی و قفقاز اشاره کرد. این تحولات بر کشورهای شمالی و جنوبی خزر که در ضمن خود را صاحبان سنتی آن می‌دانند نیز تأثیر گذاشت و رفتار و نگرش آنان را نیز دگرگون کرد.

منطقه خزر با چهار حوزه ژئوپلیتیکی مشخص ارتباط دارد که عبارت‌اند از:

۱. حوزه آسیای مرکزی در شرق؛
۲. حوزه قفقاز در غرب؛
۳. حوزه ایران در جنوب؛
۴. حوزه روسیه و اسلاو در شمال.

حوزه‌های چهارگانه مزبور بر حوزه خزر تأثیر گذاشته و هویت ژئوپلیتیکی آن را شکل می‌دهند. از این رو مسایل خزر را باید حاصل ترکیب و التقای مسایل و دیدگاههای خاص

1. Heartland  
3. Machinder

2. Rimland  
4. Spykeman

## تفاوت‌ها و تعارض‌ها در حوزه ژئوپلیتیک خزر

چهار حوزه مزبور دانست که در دو حوزه غربی و شرقی نیز با نیروهای مداخله‌گر فرمانطقه‌ای پیوند خورده و الگوی پیچیده‌ای از رقابت و همگرایی را شکل می‌دهد که این مداخله با واکنش بخش شمالی و جنوبی خزر نیز روبه‌رو گردیده است. (۳)

این مقاله سعی دارد تا حوزه ژئوپلیتیکی خزر را از دید نیروهای واگرا که به صورت مانعی بر سر راه همگرایی و همکاری منطقه‌ای تجلی می‌نمایند مورد توجه قرار دهد. هرچند هر حوزه ژئوپلیتیکی اساساً واجد نیروهای همگرا و واگرایی است که تحت شرایط خاص عمل نموده و با یکدیگر به رقابت می‌پردازند و چیرگی هریک از آنها بر دیگری نوع رفتار اجزای حوزه ژئوپلیتیکی و اساساً الگوی رابطه بین اعضای آن را شکل می‌دهد، یعنی تقویت نیروهای تجزیه‌گر و واگرا می‌تواند الگوی رفتاری خصومت‌آمیز در حوزه را شکل دهد و بالعکس تقویت نیروهای همگرا می‌تواند الگوی تعاون، اتحاد و رفتار مشترک را در حوزه پدید آورد. این نیروها بعضاً ماهیت جغرافیایی و بنیادین دارند و بعضاً از ماهیت روبنایی و درجه دوم برخوردارند.

الگوی تعارض و اصطکاک + تفاوت دیدگاه + تفاوت‌های ساختاری بنیادین

(منافع ملی)

الگوی تعاضد و همکاری + اشتراک دیدگاه و موضع + تجانس بنیادین و ساختاری

نیروهای بنیادین و ژرف در حوزه ژئوپلیتیکی، اگرچه به‌نظر می‌رسد که اثر جبری دارند ولی به‌وسیله عامل انسان قابل کنترل و هدایت‌اند. بواقع انسانها و رهبران سیاسی و دولتها می‌توانند نیروهای ژرف را در اختیار گرفته و آن را در جهت منافع و اهداف خود به‌کار گیرند و یا اینکه کارکردهای آن را تغییر دهند. بدین ترتیب تلاش برای استخدام نیروهای ژرف و روبنا از سوی دولتها برای دستیابی به اهداف ملی آنهاست که الگوی رقابت را در یک حوزه ژئوپلیتیکی شکل می‌دهد.

در حوزه ژئوپلیتیکی خزر نیز همانند هر حوزه دیگری نیروهای ژرف و روبنا با کارکردهای همگرایی و واگرایی وجود دارند. شناخت این نیروها، کنترل و کاربری آنها

می‌تواند مورد توجه دولتهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای قرار گیرند.

این مقاله به بررسی نیروهای بنیادین تحت عنوان تفاوت‌های ساختاری در حوزه خزر که انعکاس آن را در شکل‌گیری الگوی تعارض می‌توان مشاهده کرد می‌پردازد.

### تفاوت‌های بنیادین در حوزه خزر

عنصر تفاوت بنیادین متکی بر نیروهای ژرف در حوزه خزر به صورت یک تفاوت ساختاری تجلی پیدا می‌کند. [خزر اگرچه واجد نیروهای همگراکننده می‌باشد ولی تحت شرایط جدید ژئوپلیتیکی به‌ویژه پس از جنگ سرد به‌نظر می‌رسد نیروهای تجزیه‌گر بر نیروهای متحدکننده و همگرا چیره می‌شوند و چشم‌انداز نگران‌کننده‌ای را در پیش‌روی این حوزه قرار می‌دهند]. تفاوت ساختاری حوزه خزر در عرصه‌های مختلف فضایی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار دارند که در تعامل با یکدیگر ساختهای جغرافیایی و دیدگاههای متفاوتی را شکل می‌دهند. ساختهای جغرافیایی این حوزه عبارت‌اند از:

۱. ایران: این ساخت با ریشه تاریخی چندهزارساله همراه با تجربه دیرینه دولت، از الگوی ملتی برخوردار است که فرهنگ ایرانی، زبان فارسی، مذهب شیعه و درجه بالای چسبندگی از ویژگی‌های عمده آن بوده و آن را از سایر ساختهای حوزه خزر متمایز می‌سازد. ایران خود را صاحب تمدنی فراگیر و ریشه‌دار و غنی دانسته که قبل از سایرین در حوزه، واجد آن بوده است. این واحد همچنان خزر را دریای سنتی و آرمانی مورد تملک خود دانسته که نام‌گذاری‌های ویژه و تاریخی نظیر دریای کاسپین، آبسکون، قزوین، ارقانیا، بحرآب، طبرستان، از آن حکایت می‌کند. ایران قدرت منطقه‌ای جنوب غرب آسیاست که امکان دسترسی به سه حوزه خزر، خلیج فارس و اقیانوس هند را داشته و می‌تواند نقش ترازیتی برای سایر اعضای خزر را بازی کند. ایران، خزر را یک واحد منطقه‌ای دانسته که مقدرات آن باید به دست اعضای منطقه و به‌دور از نیروهای مداخله‌گر فرمانطقه‌ای انجام پذیرد. همچنین ایران از حضور نیروهای مداخله‌گر که عمدتاً دشمنان و رقبای آن هستند برای امنیت ملی خود احساس خطر می‌کند و علی‌رغم برخورداری از مواضع و دیدگاههای مشترک با روسیه به عنوان یک قدرت جهانی، اساساً نسبت به اهداف و دیدگاههای این کشور نیز تردید دارد و آن

را رقیب قدرتمند خود در حوزه خزر می‌یابد.

۲. آذربایجان: این ساخت فاقد ریشه تاریخی و تجربه دولت مستقل است و دولت ملی در آن در مرحله طفولیت قرار دارد. الگوی ملت براساس قومیت آذری با اکثریت قاطع ۹۰٪<sup>(۴)</sup>، زبان ترکی، مذهب شیعه و احساسات شدید ملی‌گرایی شکل گرفته است. این واحد از موقعیت بزرگ برخوردار بوده و برای تماس با دنیای خارج به ایران و روسیه و سایر همسایگان خود وابسته است. آذربایجان از حیث ژئوپلتیکی خود را در انزوا می‌یابد به طوری که از سوی شمال (روسیه) و غرب (ارمنستان) احساس تهدید می‌کند و از سوی شرق (دریا) و جنوب (ایران) احساس کمک و مساعدت نمی‌نماید. بنابراین برای بقای خود تکیه گاهش را در خارج از منطقه جستجو نموده و درصدد پیوندهای نظامی و اقتصادی و فن‌آوری به خارج از منطقه برآمده است<sup>(۵)</sup> و به صورت دروازه ورود نیروهای مداخله‌گر فرامنطقه‌ای (ناتو، آمریکا، اسرائیل و ترکیه) به خزر نگریسته می‌شود. این کشور از وضعیت و ساختار جغرافیایی نامساعدی برخوردار است و دفاع از آن مستلزم نیروی نظامی دوچندان می‌باشد. وجود واحد مورد مناقشه قره باغ و نیز واحد بیرونگان نخجوان و شکل شش ضلعی و توپوگرافی خاص وضعیت سختی را بر آن تحمیل نموده است. آذربایجان به دلیل سوابق تاریخی نسبت به روسیه و تا اندازه‌ای ایران بدگمان است و کاستی‌های خود را در این رابطه برای تدارک قدرت حفظ بقا، در قدرتهای فرامنطقه‌ای جستجو می‌کند. ضمن اینکه مزیت‌های ژئواکونومیک نظیر انرژی فسیلی، ظرفیت کشاورزی، گردشگری و غیر آن فرصتهای خوبی در اختیارش قرار می‌دهد.

۳. ترکمنستان: این ساخت نظیر آذربایجان فاقد ریشه تاریخی و تجربه دولت مستقل است. الگوی ملت براساس قومیت ترکمن (۷۳٪)<sup>(۶)</sup>، زبان ترکمنی، مذهب اهل سنت و احساسات ملی‌گرایانه شکل گرفته است. این کشور از موقعیت بزرگ برخوردار است و ضمن ایفای نقش ترانزیت برای همسایگان خود، شدیداً برای ارتباط با دنیای خارج به همسایگان به‌ویژه ایران وابسته است. احساس تهدید قابل توجهی از همسایگان خود نمی‌کند و نسبت به ایران به‌عنوان همسایه قدرتمند خود جانب احتیاط را رعایت می‌نماید. وضعیت ژئوپلتیکی آن ایجاب می‌نماید که موضع بیطرفانه‌ای در روابط بین‌المللی به‌عهده بگیرد و بر همین اساس

تأییدیه بیطرفی از مجمع عمومی سازمان ملل متحد را نیز دریافت کرده است.<sup>(۷)</sup> ترکمنستان در معرض نفوذپذیری از سوی قدرتهای فرامنطقه‌ای قرار گرفته و نیازهای اقتصادی و فن‌آوری محمل مناسبی برای این موضوع شناخته می‌شود. هرچند این کشور در یک حالت تردید نسبت به وضعیت چندگانه نیاز اقتصادی به غرب؛ موضع بیطرفی در روابط بین‌المللی و رعایت جانب احتیاط نسبت به ایران به دلیل ملاحظات ژئوپلیتیکی، گرفتار شده است.

۴. قزاقستان: این ساخت نظیر دو کشور آذربایجان و ترکمنستان فاقد تجربه دولت مستقل است. الگوی ملت آن ترکیبی است (۴۲٪ قزاق، ۳۷٪ روس در قومیت؛ و ۴۷٪ مسلمان و ۴۴٪ ارتدوکس روسی)<sup>(۸)</sup> که براساس اکثریت قزاق و مسلمان هویت خود را پیدا می‌کند. قزاقستان قدرت هسته‌ای است و نیز ظرفیت‌های فضایی دارد. این الگوی ترکیبی، بر گزینش مواضع متوازن در روابط با کشورهای منطقه خزر تأثیر داشته است. قزاقستان از نظر فن‌آوری موقعیت برجسته‌ای دارد ولی در عین حال از نظر اقتصادی و فن‌آوری در ارتباط با بهره‌برداری از ذخایر انرژی فسیلی خود به غرب نیازمند است. موقعیت ژئوپلیتیکی قزاقستان آن را به صورت یک قدرت منطقه‌ای در آسیای مرکزی درآورده است. موقعیت بزرگی این کشور آن را به همسایگانش به‌ویژه روسیه، ایران و ترکمنستان وابسته می‌نماید.

۵. روسیه: این کشور دارای سابقه تاریخی و تجربه دولت مستقل، ولی نه به اندازه ایران است. وضعیت جغرافیایی این کشور، آن را در مسیر میل به جنوب قرار داده و این راه را تا آنجا ادامه داده که مانع سیاسی در مقابل آن نبوده است. اولین مانع برای آن دولت ایران در جنوب و سپس رقابتهای استعماری انگلیس و آمریکا در قرون ۱۹ و ۲۰ بوده است در غیر این صورت روسیه قلمرو حضور و سلطه خود را تا ساحل دریای عمان و خلیج فارس و اقیانوس هند گسترش می‌داد زیرا دستیابی به آبهای گرم جنوب از اهداف و آرمانهای تاریخی روس‌ها است.<sup>(۹)</sup> این هدف، سیاست روس‌ها در قفقاز و آسیای مرکزی را در گذشته، شکل داده و امروز نیز علاوه بر این، ملاحظات راهبردی، مربوط به امنیت ملی و حفظ حاشیه امنیتی به دور روسیه نیز بر آن افزوده شده است. تردیدی وجود ندارد که روسیه همچنان از وضعیت بد جغرافیایی خود رنج می‌برد و خروج از این وضعیت به صورت یک آرمان پایدار و راهبردی برای آن درآمده است.



الگوی ملت در روسیه براساس اکثریت قومی روس و از نژاد اسلاو ۸۲٪، زبان روسی و اکثریت دینی مسیحیت ارتدوکس<sup>(۱۰)</sup> و فرهنگ خاص آن شکل گرفته است. روسیه خود را همچنان یک ابرقدرت در صحنه بین‌المللی دانسته و به فن‌آوری پیشرفته به‌ویژه در بُعد فضایی و اتمی و تسلیحات راهبردی دسترسی داشته و یکی از اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل را تشکیل می‌دهد. این موقعیت، دیدگاه خاص برتری‌طلبی و میل به تحرک آزادانه در عرصه خزر را برای روسیه پدید می‌آورد. این کشور از حضور نیروهای فرامنطقه‌ای و به‌ویژه رقبای جهانی نظیر آمریکا و ناتو در منطقه خزر ناراضی است و با ایران در این رابطه موضعی مشترک دارد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در منطقه خزر پنج ساخت جغرافیایی با هویت، ویژگی‌ها، اهداف و دیدگاه‌های متفاوت وجود دارد که به صورت یک تفاوت بنیادین در منطقه تجلی پیدا می‌کند.

به‌طور کلی می‌توان ویژگی‌های عمومی کشورهای منطقه خزر را از جهت تفاوت‌های ساختاری بدین ترتیب خلاصه نمود:

۱. تفاوت در طول عمر دولت، که ایران از این نظر قدیمی‌ترین و سپس روسیه قرار داشته و سه واحد ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان در دوره طفولیت بسر می‌برند.
۲. سه کشور جوان منطقه خزر در روند تاریخی خود نسبت به قدرتهای ساحلی خزر سه دوره را در قرون اخیر پشت سر گذاشته‌اند. دوره نفوذ و سلطه ایران، دوره نفوذ و سلطه روسیه و دوره استقلال. بنابراین از نظر تاریخی و جغرافیایی آنها به دو قدرت مزبور وابستگی داشته و ساخت فرهنگی آنها ضمن تأکید بر عناصر بومی و سعی بر تبلور و درخشش آنها، متأثر از عناصر فرهنگی دو قدرت مزبور می‌باشد.
۳. سه کشور مزبور دچار مشکل هویت و ساماندهی بنیاد ملت و علت بقا برای خود می‌باشند و بر عناصر فرهنگ بومی و خودی و واگرایی از دو قدرت روسیه و ایران تأکید دارند ضمن اینکه در کشیدن مرزهای دقیق به‌ویژه نسبت به فرهنگ ایرانی دچار تردید و مشکل می‌باشند.

۴. سه کشور مزبور در فرآیند کشش از سوی قدرتهای شمال و جنوب خود قرار گرفته



و هر دو از طریق سازماندهی روابط «وجانبه و یا ساختهای منطقه‌ای سعی بر جذب مجموعه به خود را دارند. ایران از طریق اکو و روسیه از طریق جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، آنها را در تشکلهای موردنظر خود وارد نموده‌اند. شکل منطقه‌ای خزر که دربرگیرنده همه آنهاست هنوز استقرار و فعالیت چشمگیری پیدا نموده است و دو شکل مزبور نیز توفیق چندانی نداشته است.

۵. سه کشور مزبور از نظر فضایی و جغرافیایی به قدرتهای شمال و جنوب خود وابسته هستند و این وابستگی واقعیت طبیعی دارد. بدگمانی ذاتی یا القایی آنها نسبت به روسیه و ایران زمینه مداخله قدرتهای برون منطقه‌ای را در حل معضل ژئوپلیتیکی مزبور فراهم کرده است. به طوری که آنها به دنبال تعبیه راه سومی به ویژه در امر انتقال انرژی فسیلی منطقه می‌باشند تا یک سیستم به هم پیوسته‌ای با مشارکت سه کشور مزبور و با حذف نقش طبیعی و سنتی ایران و روسیه پدید آورند که بتوانند با گرجستان و ترکیه و بازار جهانی پیوند بخورند. این سیستم صرفاً بخاطر قطع وابستگی آنها به روسیه و ایران انجام می‌پذیرد تا ابزار مداخله پایدار آمریکا و اروپا و اسرائیل را در منطقه خزر تضمین نماید. این سیستم علی‌رغم فقدان توجیه منطقی اقتصادی، امنیتی، طبیعی و ارتباطی و از طریق پذیرش خطر و تقبل هزینه‌های دوچندان در شرف شکل‌گیری می‌باشد.

۶. منطقه خزر از ساختار قدرت نامتوازن برخوردار است. در واقع این حوزه دارای ساختار سه سطحی است. در سطح اول روسیه به عنوان یک قدرت جهانی قرار دارد. در سطح دوم قدرتهای منطقه‌ای ایران و قزاقستان قرار دارند، ایران در منطقه جنوب غرب آسیا<sup>(۱۱)</sup> و قزاقستان در منطقه آسیای مرکزی. در سطح سوم قدرتهای محلی و کوچک قرار دارند که عبارت‌اند از آذربایجان و ترکمنستان که از مداخله درون منطقه‌ای نگران بوده و تکیه‌گاه خود را در خارج از منطقه جستجو می‌کنند. البته رفتار آن دو با یکدیگر تفاوت دارد و تابع موقعیت ژئوپلیتیکی آنها می‌باشد. مثلاً ترکمنستان به دلیل وضعیت نامساعدتر، از درجه سازگاری بیشتری با همسایگان خزری خود برخوردار است، ولی آذربایجان به دلیل موقعیت مساعدتر خود از روحیه عصیانگری بیشتری نسبت به مجموعه برخوردار بوده و نقش راهگشای نیروهای فرامنطقه‌ای را در حوزه خزر نیز بازی می‌کند.





همان‌طور که ملاحظه می‌شود ساختهای جغرافیایی حوزه خزر از یکدیگر متمایز بوده و در متغیرهای ژئوپلیتیکی ژرف نظیر درک موقعیت جغرافیایی، نظام بین‌المللی، نظام منطقه‌ای، اهداف ملی، احساس یا عدم احساس تهدید از همسایگان، الگوی ملت، هویت، ریشه نهاد دولت، درجه استقلال و آزادی عمل و نظایر اینها با یکدیگر همسانی زیادی ندارند. این نیروها، متغیرها توان به چالش کشیدن الگوی همگرایی و همکاری درون منطقه‌ای را دارا می‌باشند، لذا دیدگاهها و سیاستهایی که به دنبال استقرار الگوی همگرا در منطقه هستند باید بتوانند سازوکارهایی را بیابند که بر نیروهای مزبور و نقش و اگرایانه آنها چیره شوند و به عبارتی نقش و کارکرد منفی آنها را تبدیل به نقش مثبت بنمایند.

### تعارضهای بنیادین

تفاوت‌های درون منطقه‌ای وسیله و بهانه مناسبی برای شکل‌گیری دیدگاهها و اهداف متعارض می‌باشد و می‌تواند کوششی رقابت‌آمیز را بین همسایگان شکل دهد. متأسفانه در حوزه خزر بواژه دیدگاههای متفاوت حداقل سه منبع تعارض پدیدار شده است که عبارت‌اند از:

#### ۱. تلاش برای تصرف و دستیابی به فضای خزر

حوزه دریای خزر از منابع زیستی، انرژی، کانی و ظرفیت حمل و نقل دریایی برخوردار است که توجه دولت‌های ساحلی را شدیداً به خود جلب می‌نماید. ذخیره انرژی فسیلی این حوزه را ۵۷/۱ تریلیون مترمکعب گاز و ۵۹/۲ میلیارد بشکه نفت ذکر کرده‌اند. (۱۲) هرچند برآورد دقیقی در این زمینه هنوز وجود ندارد و حتی برخی برآوردها آن را تا ۲۰۰ میلیارد بشکه ذکر کرده‌اند. (۱۲/۱) ظرفیت بیولوژیک و تولید شیلات آن را بین ۵۰۰ تا ۵۵۰ هزارتن انواع ماهی و ۲ تا ۲/۵ هزارتن خاویار سیاه در سال برآورد نموده‌اند. (۱۳) از نظر منابع آب، دریای خزر با حدود ۲۰۰،۴۴۲ کیلومترمربع وسعت و برخورداری از حجم آب زیاد، بزرگترین دریاچه جهان است که درجه شوری آب آن قریب به  $\frac{1}{3}$  شوری آب اقیانوسها یعنی ۱۳ درهزار است (۱۴) و می‌تواند به عنوان یکی از ذخایر بزرگ آب جهان شناخته شود که با توجه به



بحران کمبود آب در جهان<sup>(۱۵)</sup> به طور عام و در خاورمیانه<sup>(۱۶)</sup> به طور خاص اهمیت زیادی از نظر مدیریت و بهره‌برداری منابع آب پیدا خواهد کرد. مشروط بر اینکه این ذخیره بزرگ آبی که هزینه شیرین‌سازی آب آن به مراتب کمتر از هزینه شیرین‌سازی آب اقیانوسها است، دچار آلودگی نشود که متأسفانه چنین خطری در حال وقوع می‌باشد.<sup>(۱۷)</sup> ثروتهای طبیعی یادشده، در کنار فضای جغرافیایی خزر از دید تأثیرات آن بر امنیت و دفاع سرزمینی و نیز دسترسی و حمل‌ونقل دریایی از عوامل عمده‌ای هستند که خزر را به کانون رقابت درون منطقه‌ای بر سر دسترسی به منابع آن تبدیل کرده و تأثیر نیروهای برون‌منطقه‌ای نیز این الگوی منازعه را تشدید می‌نماید. این وضعیت عمدتاً تحت تأثیر نامشخص بودن نظام حقوقی دریای خزر پس از فروپاشی شوروی پدید آمده است. زیرا الگوی حقوقی حاکم که بر اساس قراردادهای دو جانبه ترکمنچای در سال ۱۸۲۸ و عهدنامه مودت و دوستی سال ۱۹۲۱<sup>(۱۸)</sup> و نیز قرارداد بحر پیمایی ۱۹۴۰ بین دو کشور تثبیت شده بود<sup>(۱۹)</sup> مورد اعتراض کشورهای تازه متولد شده قرار گرفت. از سویی دیگر کنوانسیون بین‌المللی حقوق دریاها در سال ۱۹۸۲ نیز وضعیت دریاچه‌ها و دریاهای بسته را مبهم گذاشته و به توافقات کشورهای ساحلی واگذار نموده است.<sup>(۲۰)</sup> بنابراین خزر به عنوان یک منطقه مورد مناقشه تجلی پیدا کرد.

بر طبق نظام توافق شده بین ایران و شوروی مطابق قراردادهای مزبور، کشتی‌های تجاری و نظامی ایران و شوروی آزادانه حق تردد داشته ولی کشتی‌های سایر کشورها حق تردد را ندارند. همچنین حق ماهیگیری انحصاری هر یک از دو کشور تا ده میل دریایی مجاور آن در نظر گرفته شده است.<sup>(۲۱)</sup>

این الگو صرف‌نظر از تحولات ژئوپلیتیکی حوزه خزر و پیدایش دولتهای جدید، با توجه به سکوت آن در خصوص منابع بستر و فلات قاره و نیز تحولات پدید آمده در حقوق بین‌الملل دریاها به نظر می‌رسد پاسخگوی نیازهای زمان نیست و تجدیدنظر در آن و تعبیه نظام جدید و منصفانه‌ای را ضروری می‌نماید.

در خصوص استقرار نظام حقوقی جدید، اجلاس‌های متعددی تاکنون تشکیل شده ولی به نتیجه مشخصی نرسیده است زیرا دیدگاههای متفاوتی بین کشورهای ساحلی در مورد آن وجود دارد. آذربایجان و تا اندازه‌ای ترکمنستان خواهان تقسیم کامل خزر بین دولتهای

ساحلی می‌باشند. قزاقستان الگوی کنوانسیون بین‌المللی حقوق دریاها (۱۹۸۲) را مبنا قرار می‌دهد. ایران و روسیه بر مواضع نظام گذشته تأکید دارند؛ هر چند روس‌ها در مواضع خود تعدیل انجام داده‌اند، بدین معنی که یک منطقه انحصاری ۳۰-۲۰ مایلی دریای ساحلی و یک منطقه بین‌الدولی را پیشنهاد داده‌اند.<sup>(۲۲)</sup> البته ظاهراً روسیه برای مناطق در حال بهره‌برداری نفتی یا در شرف بهره‌برداری حد ۴۵ مایلی را نیز پیشنهاد داده بود.<sup>(۲۳)</sup> اختلاف‌نظر بین اعضای حوزه خزر زیاد است و برخی مثل جمهوری آذربایجان تأکید بر الگوی تقسیم‌بندی مرزی سال ۱۹۷۲ بین اعضای جمهوری‌های تابعه شوروی را دارند.<sup>(۲۴)</sup> این دیدگاه احتمالاً بر رفتار دولتها نیز اثر گذاشته و باعث شده است که آنها به خود اجازه دهند به‌طور یکجانبه با شرکتهای نفتی خارجی قرارداد امضا نمایند و موجبات اعتراض دیگران را فراهم آورند (اعتراض ایران به قراردادهای جمهوری آذربایجان با شرکتهای آمریکایی، یا اعتراض ترکمنستان به قراردادهای مشابه با شرکتهای روسی).

## ۲. نیاز به قدرت مالی، اقتصادی و فن‌آوری دولتهای فرامنطقه‌ای

فروپاشی شوروی سابق، جمهوری‌های جدید را با مسایل حاد اقتصادی و فن‌آوری روبه‌رو ساخت. این کشورها برای بهره‌برداری از ذخایر انرژی‌های فسیلی، راه‌اندازی طرح‌های صنعتی، بهره‌برداری از ظرفیت‌های کشاورزی نیاز به همکاری بین‌المللی داشتند. از این رو به سراغ کشورهای آمریکا، اسرائیل، ترکیه و نظایر آن رفتند که آمادگی بهره‌برداری از این فرصت (نیاز به آنها) را داشتند. اسرائیلی‌ها در بخش کشاورزی سرمایه‌گذاری کرده و جاذبه ایجاد نمودند. ترکیه در بخش خدمات به توفیقهایی دست یافت و آمریکایی‌ها در ایجاد تأسیسات نوین استخراج نفت و حتی انتقال آن به بازارهای مصرف بدون در نظر گرفتن ایران، فرصتهای خوبی به دست آوردند.<sup>(۲۵)</sup>

نکته اینجاست که هرچند ذخایر انرژی منطقه هنوز به‌طور دقیق‌تر برآورد نگردیده است ولی بهانه خوبی است که آمریکا و مداخله‌گران فرامنطقه‌ای در این منطقه حساس دخالت نموده و امکان نفوذ و حضور برای اعمال فشار بر علیه رقبای جهانی و منطقه‌ای خود یعنی روسیه و ایران را پیدا کنند.

## ۳. دیدگاه نسبت به مداخله گران برون منطقه‌ای

در این زمینه در داخل منطقه ژئوپلیتیکی خزر دیدگاه مشترک وجود ندارد. این وضعیت بدین صورت است که روسیه و ایران مخالف حضور مداخله گران منطقه‌ای و بین‌المللی هستند و بقیه کشورهای تازه استقلال یافته نه تنها موافق هستند، بلکه در چارچوب نیاز متقابل، مداخله گران را به درون منطقه هدایت می‌کنند. نیازهای متقابل ژئوپلیتیکی عامل اصلی در تحقق این فرآیند است. کشورهای درون منطقه به توانایی‌های اقتصادی، مالی و فن‌آوری مداخله گران به صورت یک نیاز مشترک احتیاج دارند و برخی نظیر جمهوری آذربایجان علاوه بر آن به مساعدتهای سیاسی و راهبردی برای خروج خود از انزوای ژئوپلیتیک نیازمند می‌باشد و متقابلاً مداخله گران به بازار مصرف، میدان فعالیت اقتصادی، حوزه نفوذ و اعمال فشار بر روسیه و ایران به عنوان رقبای قدرتمند جهانی و منطقه‌ای خود نیاز دارند و اینکه امکان حضور در قلمرو ژئواستراتژیک شوروی سابق و روسیه کنونی را پیدا می‌کنند. بدیهی است روسیه و ایران از چنین وضعی راضی نیستند زیرا مداخله گران دعوت شده عمدتاً از دشمنان و رقبای ایران و روسیه محسوب می‌شوند یعنی آمریکا و اسرائیل، ناتو و ترکیه جملگی رقیب ایران و روسیه هستند.

## راه‌حل‌های پیشنهادی

منطقه خزر، با ادامه روند بلا تکلیفی نظام حقوقی آن آستن شکل‌گیری بحران خزنده می‌باشد؛ لذا برای پیشگیری از بروز آن باید اقدام کرد. پیشنهادهای زیر در همین رابطه ارائه می‌شوند:

۱. امضای پیمان حسن همجواری چندجانبه بین کشورهای منطقه و ایجاد اعتماد متقابل بین اعضا و تأکید بر ادراک ضرورت تأسیس و تقویت یک سازمان منطقه‌ای دربردارنده کشورهای ساحلی خزر؛

۲. توافق و استقرار نظام حقوقی در دریای خزر در اولین فرصت ممکن. برای استقرار نظام حقوقی تلاشهای زیادی به عمل آمده است؛ ولی دیدگاههای کشورهای و طرز تلقی آنها از منافع ملی خود در ارتباط با خزر، مانع از دستیابی به یک الگوی مورد تفاهم کشورهای

ساحلی خزر گردیده است. برای تعبیه نظام حقوقی دریای خزر دو فرضیه کلی متصور است: الف) نظام مشاع و مشترک بین اعضای ساحلی در بهره‌برداری‌های ارتباطی، بیولوژیک و آبیان، ذخایر کف و زیر کف دریا از خط مبدأ ساحلی کشورها. البته تحقق این الگو بسیار بعید به نظر می‌رسد.

ب) نظام ترکیبی: در این نظام عناصر محیط دریا شامل، دفاع و امنیت ساحلی، ذخایر آبیان، منابع آب، حمل و نقل، منابع کف و زیر کف باید مورد توجه قرار بگیرند. این الگو می‌تواند به شرح زیر تنظیم و تعبیه شود:

۱. خط مبدأ ساحلی براساس کنوانسیون حقوق بین‌الملل دریاها (۱۹۸۲) ترسیم شود؛  
۲. به لحاظ مسایل امنیتی و دفاعی قلمرو دریایی اختصاصی برای هر کشور به عرض ۲۴ مایل از خط ساحل تعیین شود و تردد شناورهای نظامی و پرواز با مجوز کشور ساحلی امکان‌پذیر باشد؛

۳. به لحاظ بهره‌برداری از ذخایر آبیان و منابع کف و زیر کف، دریای خزر براساس خط منصف تقسیم شود و هر یک از دول ساحلی اجازه بهره‌برداری از منابع اقتصادی قلمرو خود را به‌طور آزادانه داشته باشد؛

۴. به لحاظ حمل و نقل دریایی سطحی و عمقی، محدوده دریایی بعد از ۲۴ مایل برای کلیه کشتی‌های تجاری، نظامی، تحقیقاتی و زیردریایی‌های کشورهای ساحلی آزاد باشد ولی هیچ کشور بجز پنج کشور ساحلی خزر حق کشتیرانی و دریانوردی در خزر را ولو با پرچم کشورهای ساحلی نخواهد داشت. در محدوده ۲۴ مایلی دریای ساحلی یا سرزمینی، تردد شناورهای تجاری تابع شرایط عبور بی‌ضرر در دریای سرزمینی مندرج در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق بین‌المللی دریاها خواهد بود؛

۵. بهره‌برداری اقتصادی از ذخایر آبیان و منابع کف و زیر کف و غیر آن در قلمرو هر کشور ساحلی توسط سایر کشورهای ساحلی خزر، و نیز تردد شناورهای نظامی و تحقیقاتی و زیردریایی‌ها و هواپیماها و اشیای پرنده در محدوده ۲۴ مایلی از خط مبدأ ساحلی فقط با مجوز قبلی دولت ساحلی امکان‌پذیر خواهد بود؛

۶. کنترل و جلوگیری از آلودگی محیط دریا و نیز مراقبت بر حفظ تعادل اکولوژیک

دریا از حیث آبزیان و سایر منابع زیستی دریا به‌عهده سازمان منطقه‌ای محیط زیست خزر خواهد بود که اعضای آن را نمایندگان پنج کشور ساحلی تشکیل خواهد داد؛

۷. بهره‌برداری اقتصادی از منابع آب دریا برای پاسخگویی به نیازهای آبی کشورهای غیرساحلی، با توافق پنج کشور ساحلی امکان‌پذیر بوده و عواید حاصل از فروش منابع آبی خزر به‌طور مساوی بین کشورهای ساحلی توزیع خواهد شد.

### یادداشتها

1. Cohen, Saul.B, Geopolitics in the New world Era, Reordering the world, edited by G.J. Demko and W.B.wood, westview press, U.S.A, 1994, pp.15-46.
2. Dikshit.R.D, Political Geography, second Edition, tate Mc Graw-Hill New Delhi, 1995, pp.101-114.
۳. شبکه پیام، تلکس ویژه اخبار، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۱۲/۲۴
- برنامه خبر سیمای جمهوری اسلامی ایران، ساعت ۲۱، سه‌شنبه ۱۳۷۷/۱۱/۶
- ایران و روسیه هر دو نسبت به دعوت آذربایجان از ناتو و آمریکا جهت استقرار پایگاه در آن کشور هشدار داده‌اند.
4. The world Almanac 1997, World Almanac Books, New Jersey 1997, p.242.
۵. روزنامه همشهری، شماره ۱۷۶۶، ۱۳۷۷/۱۱/۲۵، ص ۱۵.
- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۵۶۸۵، یکشنبه ۱۳۷۷/۱۰/۲۷، ص ۱۶.
- شبکه پیام، تلکس اخبار ویژه، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۱۱/۴.
6. The World Almanac, *op.cit.*, p.788.
۷. دولت ترکمنستان بنای یادبود بیطرفی را در بخش مرکزی شهر عشق‌آباد و در مجاورت کاخ ریاست جمهوری احداث نموده است (مشاهدات نگارنده، اسفندماه ۱۳۷۷، عشق‌آباد)
8. The World Almanac, *op.cit.*, p.788.
۹. حافظ‌نیا، محمدرضا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، سمت، تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۳۳.
10. The world Almanac, *op.cit.*, p.811.

11. Huntington, Samuel.P, The New Dimension of power, foreign affairs, Mar/Apr 1999, pp.35-49.

۱۲. مجتهدزاده، پیروز، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۹۶-۹۵، ص ۹.
- روزنامه همشهری، شماره ۱۶۸۵، پنجشنبه ۱۳۷۷/۸/۱۴، ص ۶.
- ۱۲/۱. رویدادهای ایران و جهان، اداره کل مطبوعات خارجی، ۱۳۷۷/۷/۶، ص ۱۲.
۱۳. اسدی‌کیا، بهناز، آیا خزر قربانی نفت خود می‌شود؟ فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۷۷، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ص ۳۹-۳۸.
۱۴. جغرافیای کامل ایران، جلد ۱، وزارت آموزش و پرورش، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۶، ص ۵۱.
۱۵. بزرگ‌زاده، مصطفی، آب و جمعیت، فصلنامه آب و توسعه، سال دوم، شماره ۱، تیر ۱۳۷۳، ص ۵۱-۱۰.
۱۶. مؤسسه مطالعات استراتژیک لندن، آب، امنیت و خاورمیانه، ترجمه پیروز ایزدی، پژوهشکده علوم دفاعی استراتژیک، دانشگاه امام حسین، تهران، ۱۳۷۲، ص ۹.
۱۷. اسدی‌کیا، همان منبع، ص ۳۷.
۱۸. نوازی، بهرام، عهدنامه مودت ایران و شوروی، نشر همراه، تهران، ۱۳۶۹، ص ۲۰۱ و ۲۱۵.
۱۹. ممتاز، جمشید، وضعیت حقوقی دریای خزر، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۴، ص ۱۲۵.
۲۰. چرچیل، رابین و آلن‌لو، حقوق بین‌الملل دریاها، ترجمه بهمن آقایی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران ۱۳۶۷

- United Nations convention on the law of the sea, Article 123, p.49.

۲۱. مقتدر، هوشنگ، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ سوم، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران ۱۳۷۴، ص ۲۴۰.

۲۲. الطافی، رمضان، ضرورت تنظیم نظام حقوقی دریای خزر، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۴/۵/۱۹، شماره ۵۲۶۲، ص ۱۵.

۲۳. والنن، پاکوشیک، اختلافات سیاسی معاصر در مورد وضعیت حقوقی دریای خزر، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۷۷، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، تهران، ص ۲۷.

۲۴. روزنامه جمهوری اسلامی، دوشنبه ۱۳۷۸/۲/۲۰، ص ۱۱، به نقل از سفیر جمهوری آذربایجان در ایران.

۲۵. به منابع زیر مراجعه شود:

- هفته‌نامه کیهان هوایی، شماره ۱۲۴۷، چهارشنبه ۱۳۷۶/۶/۲۶، ص ۶، (تأکید وزیر دفاع آمریکا بر نفوذ در

حوزه خزر)

- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۵۴۵۶، شنبه ۱۳۷۷/۱/۲۲، ص ۱۶، (دعوت حیدرعلیف از

سرمایه‌گذاران آمریکایی)

- برنامه تفسیر خبری ساعت ۲۱، سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۷۷/۸/۸ (موافقت سران کشورهای

آسیای مرکزی و قفقاز بر خط لوله با جمهوری آذربایجان)

- شبکه پیام، تلکس ویژه اخبار، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۷۷/۸/۲۷ (تأکید سفیر اسرائیل بر همکاری

با جمهوری آذربایجان)

- برنامه خبر ساعت ۲۲/۳۰، سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۷۷/۹/۱۹، برنامه خبر ساعت ۲۱ سیمای

جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۷/۱۲/۸.

- روزنامه کیهان، شماره ۲۱۵۸۲، مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۲۰، ص ۱۶ (تأکید وزیر خارجه آمریکا بر گسترش

همکاری با جمهوری آذربایجان)

- برنامه تفسیر خبری ساعت ۲۱، سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۷۸/۲/۸ (امضای قراردادهای نفتی ده

میلیارد دلاری با آمریکایی‌ها)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی